

روایتی از سمفونی دفاعی استقلال در فصلی که گل خوردن ممنوع است!

چه کرده سهراب



آرژا طاری

در دنیای پرهیاهوی فوتبال، جایی که نورافکن‌ها همیشه روی مهاجمان بی‌رحم و گلزنان قهار تنظیم می‌شود، یک قانون نانوشته اما فولادین وجود دارد؛ مهاجمان برای شما بازی‌ها را می‌برند، اما این مدافعان هستند که جام‌های قهرمانی را به ویت‌رین باشگاه می‌آورند. این جمله تاریخی که بارها توسط تئور بسین‌های بزرگ فوتبال جهان تکرار شده، این روزها در نیمه‌ای پایتخت ایران، نه تنها یک شعار، بلکه به یک مانیفست و سبک زندگی تبدیل شده است. استقلال مدل ۱۴۰۵، تحت هدایت مردی که خودش روزگاری یکی از طرف‌یف‌ترین، باهوش‌ترین و مستحکم‌ترین مدافعان تاریخ فوتبال ایران بود، حالا به چنان در نفوذناپذیری تبدیل شده که باز کردن دروازه‌اش برای هر حریفی، به یک مأموریت غیر ممکن شبیه شده‌است. هفته‌یازدهم رقابت‌های لیگ برتر فوتبال ایران با یک تابلوی آشنا برای هواداران استقلال به پایان رسید؛ پیروزی یک بر صفر مقابل گل‌گیر سپر جان با یک گل اسماعیل قلی‌زاده، حفظ فاصله یک امتیاز یی با صدر جدول و همه مهم‌تر، ثبت هفتمین کلین‌شیت فصل. اما پشت این اعداد و ارقام خشک، داستانی حماسی از ساختار، نظم، فداکاری و تنوع تاکتیکی نهفته‌است که سهراب بختیاری زاده در قلب تیمش تزریق کرده‌است.

وقتی نام سهراب بختیاری زاده به میان می‌آید، ناخودآگاه تصویر مدافعی در ذهن تداعی می‌شود که با سسری بالا، پاس‌های قطری دقیق و قدرت نیمروزی بی‌نظیرش، سال‌ها در سطح اول فوتبال آسیا درخشید. او که به خوبی می‌داند یک مدافع در

چهره به چهره

سایه سنگین یحیی بر خیابان ستول؛ چرا ژنرال در محاصره تردیده‌است؟

توس امیر

فدراسیون فوتبال در روزهای بحرانی و زیر فشار افکار عمومی، به دنبال راه فراری سریع می‌گردد. چه راه فراری در دسترس‌تر و کم‌هزینه‌تر از مرئی‌ای که از قبل در کمپ تیم‌های ملی مستقر شده، لباس یوزها بر تن دارد و از قضا نامش یحیی گل محمدی است؟ فدراسیون با نزدیک کردن یحیی به تیم امید، عملاً یک شمشیر داموکلس را بالای سر تیم بزرگسالان آویزان می‌کند تا در صورت هر گونه لغزش، گزینه جان‌فشینی در کسری از ثانیه در دسترس باشد.

اما ماجرا به همین نقطه ختم نمی‌شود. دلیل دوم هراس قلعه‌نوی، در هم شکستن یک سنت نانو‌شسته اما قدرتمند در فوتبال ایران است. سال‌هاست که سرسرمیران تیم ملی بزرگسالان، به ویژه چهره‌هایی با اتوریته امیر قلعه‌نوی، تمایل دارند تیم امید حیاط خلوت و زیر مجموعه مطیع آن‌ها باشد. آن‌ها مربیانی را برای رده امید می‌پسندند که با چراج سبز آن‌ها انتخاب شوند، بر نامه‌های تمرینی‌شان را با تیم بزرگسالان هماهنگ کنند و در نهایت، مجری ایده‌های سرمربی بزرگسالان باشند. این سلسله مراتب برای مربیانی با روزه‌های متوسط قابل پذیرش است، اما یحیی گل محمدی در این قالب نمی‌گنجد.

یحیی با کوله‌باری از جام‌های قهرمانی، فینال آسیا و یک فلسفه فوتبالی کاملاً مستقل و شکل گرفته، هرگز نقش یک دستیار در

می‌کشند؛ با این تفاوت مهم که شاگردان سهراب یک بازی بیشتر از رقیب تیریزی انجام داده‌اند و در واقع ۹۰ دقیقه بیشتر در برابر حملات رقبای مقاومت کرده‌اند. جالب اینجاست که همان آگلی هم که استقلال از تراکتور و پرسپولیس در یافت کرده، در نیمه‌های دوم و روی ضرباتی در حوالی محوطه جریمه بوده است، نه از روی اشتباهات فاحش در جریان بازی باز.

هر قلعه‌ای برای بقا به یک نگهبان شش‌دانگ نیاز دارد. در ساختار دفاعی استقلال، این وظیفه خظیر بر دوش حبیب فرعباسی قرار گرفته‌است. پوشیدن پیراهن شماره یک استقلال، پیراهنی که بر تن اسطوره‌هایی بزرگ بوده، همواره وزنه سنگینی از استرس و فشار روانی را به همراه دارد. بسیاری از دروازه‌بانان زیر بار این فشار خرد شده‌اند، اما فرعباسی نشان داده که از جنس دیگری است. او در این فصل نمایشی فراتر از حد انتظار داشته و به معنای واقعی کلمه، تحسین برانگیز ظاهر شده است. در همان بازی نفس‌گیر مقابل گل‌گیر، در لحظاتی که فشار حریف برای ردن گل تساوی به اوج خود رسیده بود، حبیب با یک مهار استثنایی و واکنشی ماورایی در حوالی محوطه قدیم، دروازه تیمش را نجات داد تا هفتمین کلین‌شیت لیگ به نامش عین بخورد. بررسی گل‌های اندکی که استقلال در یافت کرده نشان می‌دهد که فرعباسی کمترین تقصیر را در آن‌ها داشته‌است. خروج‌های مطمئن، تسلط توپ‌های هوایی و آرامشی که به خط دفاعی جلوی خود منتقل می‌کند، او را به یکی از ارکان اصلی موفقیت‌های اخیر استقلال تبدیل کرده‌است. او ثابت کرده که لایق این فرصت طلایی است و دستکش‌های شماره یک، کاملاً اندازه دستان اوست.

چاپ: کار و کارگر ۱۷۳۱۷۶۶۸

نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، نرسیده به روانمهر، پلاک ۱۳۲

تلفن تحریریه: ۰۲۱)۶۶۹۵۶۰۰

اینستاگرام: @tosee_irani

نشانی سایت: toseeirani.ir

ایمیل: toseeirani@gmail.com

شماره ۲۳۰۶ / پنجشنبه ۳۰ مهر ۱۴۰۵ / ۱۱ جمادی الاول ۱۴۴۸ / ۲۲ اکتبر ۲۰۲۶

را بر کرد تا هارمونی دفاعی تیم به هم نخورد. البته حالا استقلال با یک چالش جدید روبروست؛ اخراج صالح حمدانی در بازی با گل‌گیر و دریافت کارت قرمز، او را از دوتل حساس پیش رو در شهر کویری یزد محروم کرده‌است و سهراب باید با دیگر پازل تاکتیکی خود را در جناح راست بازتولید کند. یکی از جذاب‌ترین و مدرن‌ترین جنبه‌های ساختار دفاعی استقلال این فصل، مفهومی به نام دفاع تیمی‌است. در فوتبال امروز، دفاع کردن از خط دروازه شروع نمی‌شود، بلکه از همان نقطه‌ای آغاز می‌شود که توپ لو می‌رود. کمربند میانی استقلال با حضور امیرمحمد رزاقی نیایه عنوان یک هافبک تخریب‌چی و دوندو و کمی جلوتر اسماعیل قلی‌زاده به عنوان هافبک مرکز، عملکردی فوق‌العاده داشته‌است. در غیاب رزاقی نیا نیز، روزبه چشمی با انتقال به خط هافبک، نقش همان آچار فرانسه همیشگی را ایفا کرده و در خدمت تیم بوده‌است. اما شاهکار سهراب، متعاقب کردن بازیکنان فضا ز هجومی برای شرکت در کارهای دفاعی است. خط حمله استقلال مجموعه‌ای از بازیکنان مسوولیت‌پذیر است. علیرضا خوشکی، یاسر آسانی، اسماعیل قلی‌زاده و محمدحسین اسلامی در نقش وینگر، به همراه سعیدسحر خیزان که حالا دم خود را به عنوان مهاجم هدف و اصلی استقلال ثبت کرده، به صورت مداوم در حال پرس کردن خط دفاعی و هافبک‌های حریف هستند. دوندگی بی‌مان این عناصر هجومی، ایجاد فشار روی توپ، بازگشت‌های سریع به عقب رزمین در هنگام از دست دادن مالکیت و شکل‌گیری منظم در پشت توپ، باعث شده تا بازسازی رقبای مختل‌شود. وقتی مهاجمی مثل سحر خیزان با تمام توان برای پس گرفتن توپ می‌جنگد، این انرژی به تمام تیم تزریق می‌شود و ساختاری کم‌اثر را در مقابل دروازه خودی شکل می‌دهد.

استقلال از اینجای فصل ثابت کرده که فرمول برنده برای فتح جام‌ها را پیدا کرده‌است؛ جلوتر از داشتن یک خط حمله زهردار، باید دفاعی سازمان‌یافته و کم‌اشتباه داشت. این روزها در کنار تسلط از حرکات ترکیبی و عملکرد ستاره‌های خط میانی، ای پووشان، باید کلاه را به احترام این ساختار دفاعی باکیفیت و مهندسی شده از سر برداشت. با این حال، مأموریت بزرگ سهراب و شاگردانش تازه به سخت‌ترین مراحل خود نزدیک می‌شود. دژ مستحکم استقلال تا فراق رسیدن فیفادی بعدی، باید در برابر طوفان‌های سهمگینی مقاومت کند. تقویم مسابقات، آزمون‌های بسیار حساس و طاق‌فرو سایی را برای آبی‌های پایتخت در نظر گرفته‌است. آن‌ها باید در یک ماران واقعی و در قامت میهمان، به مصاف چادر ملودر یزد بروند، سپس برای یک نبرد آسیایی با باشب‌الاهلی پرواز کنند، پس از آن در یک دیدار به اصطلاح خانگی ام‌ادر تبعیدگاهی به نام عراق، میزبان الش‌م‌ال قطر باشند و در نهایت در گرمای خوزستان مقابل استقلال این شهر صف‌آرایی کنند. تیم سهراب عملاً بازی روزهای آینده را خارج از تهران و به‌دواز اتمسفر و زرشگاه‌های خانگی پشت سر بگذارد. این سفرهای پایپی، خستگی جسمانی و فشارهای روانی، بزرگ‌ترین آزمون برای ساختار دفاعی استقلال خواهد بود. آیا خط دفاعی ۱+۳ آبی‌ها، در غیاب بازیکنانی مثل حمدانی در یزد و در برابر مهاجمان سریع تیم‌های عربی و انگیزه تیم‌های داخلی، همچنان می‌تواند دروازه حبیب فرعباسی را بسته نگه دارد؟

خاصی با این مقوله برخورد کرده و همواره با بهانه‌هایی نظیر حساسیت مسابقات یا کمبود زمان، پروژه تغییر نسل را به تعویق انداخته‌است. او معتقد است تیم ملی جای کسب تجربه نیست و باید با سربازان اثبات‌شده به میدان رفت. حال تصور کنید یحیی گل محمدی، مربی‌ای که در دوران باشگاهی‌اش نشان داده ترسی از میدان دادن به استعدادها ندارد، هدایت تیمی را بر عهده بگیرد که تازه مهد جوانان است. یحیی می‌تواند در کمتر از ۲سال، نسلی از بازیکنان ۲۰ تا ۲۳ ساله را تربیت کرده و به بلوغ تاکتیکی برساند. این جوانان به سرعت در کانون توجه رسانه‌ها و هواداران قرار می‌گیرند. در آن زمان، فشار افکار عمومی برای انتقال این ستار جوان به تیم ملی بزرگسالان به اوج خود می‌رسد. در این سناریو، یحیی در نقش مدعی آینده فوتبال ایران ظاهر می‌شود و قلعه‌نوی به تقاسم سدی محافظه‌کار که راه را بر جوانان بسته‌است، به تصویر کشیده خواهد شد.

موفقیت احتمالی یحیی در تیم امید و ساخت یک تیم پویا و جوان، خط‌بطلانی خواهد بود بر تسمای توجیهات کادرفنی فعلی تیم ملی. مردم و رسانه‌ها مقایسه خواهند کرد؛ آن‌ها تیمی جسور و جوان در ره امید را در کنار تیمی مسن و محتاط در ره بزرگسالان قرار می‌دهند و این قیاس، برنده‌اش از پیش مشخص است. این تقابل خاموش، می‌تواند تمام پایگاه اجتماعی باقی مانده قلعه‌نوی را نیز از بین ببرد و پروژه عبور از او را در ذهن مدیران فدراسیون تسرع کند.

در نهایت، دستان یحیی و تیمک‌تیم امید، چه به امضای قرارداد ختم‌شود چه در حد همین مذاکرات پرفراز و نشیب باقی بماند، کار کرد خود را در فضای فوتبال ایران داشته‌است. صدای پای یحیی در راهروهای فدراسیون، زنگ بیدارباشی برای کادر فنی تیم ملی بزرگسالان است. این صدا یادآوری می‌کند که زمان خریدن با نتایج متوسط به پایان رسیده و جایگاه‌ها دیگر ابدی نیستند. قلعه‌نوی می‌ترسد، نه فقط از نام یزد و گل محمدی، بلکه از بازتاب عملکرد خودش در آینه‌ای که فدراسیون با مطرح کردن این نام، رویه‌روی او قرار داده‌است. در دنیای بی‌رحم فوتبال، گاهی حضور یک سایه روی دیوار، از حضور یک لشکر در میدان ترسناک‌تر است.

هسته مرکزی دژ استقلال، بر پایه آرایش مدرن و انعطاف‌پذیر ۳ دفاعه بنا شده‌است. این سیستم که نیازمند هماهنگی میلی‌متری و درک متقابل بالایی است، توسط مثلث رستم‌اشورماتوف، سامان فلاح و عارف آقاسی به بهترین شکل ممکن در حال اجراست. در میان این ۳ نفر، داستان عارف آقاسی داستانی از پیشرفت چشمگیر و بلوغ تاکتیکی است. مدافع ۲۹ ساله‌ای که حالا زیر نظر هم‌خطه سابق خود (سهراب بختیاری‌زاده)، به بالاترین سطح از آمادگی روحی و فنی رسیده‌است. آقاسی در قلب خط دفاعی استقلال با کمترین نوسان ممکن می‌درخشد. او با سرعت بالا، تکل‌های دقیق و توانایی بازیسازی از عقب زمین، نقش یک سوبویر مدرن را ایفا می‌کند و به عنوان مغز متفکر خط دفاعی، فضاها را پوشش می‌دهد. در کنار آقاسی، مدافع باتجربه ازبکستانی قرار دارد. آشورماتوف از همان روزهای ابتدایی حضورش در فوتبال ایران، نشان داد که چه کیفیت بالایی دارد. قدرت جنگندگی در نبردهای هوایی و فیزیک مناسب او، اجازه خوندنایی به مهاجمان حریف را نمی‌دهد. او نماد صلابت و قدرت در خط دفاعی استقلال است. ضلع سوم این مثلث، سامان فلاح است. بازیکنی که از میانه‌های فصل قبل روند رو به رشد خود را آغاز کرد و حالا به فرم ایده‌آلی رسیده‌است. جوانی و انگیزه او در کنار تجربه دو مدافع دیگر، ترکیب متوازنی را ایجاد کرده‌است. اما فرمول استقلال فقط به این ۳ نفر ختم نمی‌شود. راز استحکام استقلال در حضور یک «۱+۳» از زشمند به نام روزبه چشمی است. فرمانده باتجربه‌ای که هر گاه یکی از اعضای مثلث دفاعی (ولو برای یک بازی) غایب باشد، با صلابت وارد گود می‌شود و با همان میزان هماهنگی، رهبری خط دفاع را بر عهده می‌گیرد. حضور چشمی به کادرفنی این اطمینان را می‌دهد که دیوار دفاعی استقلال تحت هیچ شرایطی فرو نخواهد ریخت.

سیستم ۳ دفاعه بدون وینگ‌بک‌های خستگی‌ناپذیر، سیستمی عقیم و شکننده است. در تفکرات سهراب بختیاری‌زاده، کانال‌های کناری زمین متعلق به ۲ بازیکنی است که باید هم‌فاز دفاعی سدی محکم باشند و هم در خط تهاجمی مانند خنجر ی‌رها گین عمل کنند. حسین گودرزی در سمت چپ و صالح حمدانی در سمت راست، در این قامت نمایشی شایسته داشته‌اند و به خوبی نمره قبولی گرفته‌اند. آن‌ها با رفت و برگشت‌های مداوم خود، عرض زمین را برای حریفان تنگ کرده‌در هنگام دفاع، یک خط ۵ نفره نفوذناپذیر را شکل می‌دهند. با وجود پنجره‌های بسته و کمبود مهره در مقاطعی از فصل، خروجی این بازیکنان دچار خلل‌نشد. حتی زمانی که صالح حمدانی (شماره ۲ آبی‌ها) به دلایل انضباطی مدت کوتاهی را از دست داد، سامان تورانیان با انگیزه بالا وارد ترکیب شد و به هر شکلی که بود جای خالی او



مأموریت بزرگ سهراب و شاگردانش تازه به سخت‌ترین مراحل خود نزدیک می‌شود. دژ مستحکم استقلال تا فراق رسیدن فیفادی بعدی، باید در برابر طوفان‌های سهمگینی مقاومت کند. تقویم مسابقات، آزمون‌های بسیار حساس و طاق‌فرو سایی را برای آبی‌های پایتخت در نظر گرفته‌است

سایه بامربی تحت فرمان را بازی خواهد کرد. او اگر سکان هدایت امیدها را به امیر اتوری تاکتیکی خودش را بنامی کند، برای قلعه‌نوی که همواره دوست دارد سایه اقتدارش بر تمام ارکان فنی ملی سنگینی کند، کار کردن در کنار مربی مستقلی که نه‌از او خط می‌گیرد و نه نیازی به تأییدیه فنی او دارد، یک کابوس سازمانی است. حضور یحیی یعنی ایجاد یک قطب قدرت موازی در کمپ تیم‌های ملی؛ اتفاقی که کنترل اوضاع را از دست کادر فعلی بزرگسالان خارج می‌کند.

با این حال، شاید عمیق‌ترین و استراتژیک‌ترین نگرانی قلعه‌نوی، به‌واژه برالتهاب جوان‌گرایی‌گره خورده باشد. سال‌هاست که منتقدان، تیم ملی را به دلیل بالا رفتن میانگین سنی و عدم تزریق خون تازه به رگ‌های آن مورد نقد قرار می‌دهند. امیر قلعه‌نوی

در این مدت با محافظه‌کاری



اما ۱۱ سال برتر روز سوم، داستان دیگری داشتند؛ داستان بازگشت به زندگی پس از یک شکست، داستان برخاستن و دوباره جنگیدن. در استخر مسابقات، آنجا که سکوت آب با تلاطم دست و پاها شکسته می‌شود، علی‌رشید ابادی در ۱۰۰ متر قورباغه با تمام وجود آب را شکافت و روی سکوی سوم ایستاد. پارااتکوندو، مهدی پورهنما که پس از رقابت پایاپای با هموطنش علیرضا بخت از فینال باز مانده بود، اجازه نداد ناامیدی بر او غلبه کند و حریف عراقی را برای کسب مدال برنز در هم کوبید. مرضیه نصراللهی نیز در بخش بانوان با پیروزی بر نماینده چین، به روی سکو رفت تا نشان دهد زنان ایرانی در هر میدانی جنگنده ظاهر می‌شوند. دوومیدانی، راپارترینرشته در صیدبر نژ بود؛ جایی که رضاحتمی، هاشم‌رستگاری و صادق بیت‌سیاح در بخش مردان و کوثر قرایی و فائزه دبیایی در برتاب‌های بانوان، با تمام توان جنگیدند تا سهمی در این شادمانی ملی داشته باشند. علی‌اصغر ابارقی با مهارت و زنه ۲۲۰ کیلویی در پارا اوزنه‌برداری و امیرحسین نیمروزی در جودو نیز این پارل ده‌گانه برنزی را تکمیل کردند تا پای‌های اقتدار کاروان ایران مستحکم‌تر از قبل شود.

در کنار قهرمانان انفرادی، سالن‌های ورزش‌های تیمی نیز صحنه نبردهای گلاباتوری بود. والیبال‌نشته ایران، چه در بخش مردان با غلبه بر قزاقستان و چه در بخش زنان با شکست دادن مغولستان، همچون یک ارزش شگفت‌ناپذیر عمل کرد. پیروزی‌های قاطع سه‌بر صفر، پیام‌روشنی برای تمام آسیا داشت: پادشاهی والیبال‌نشته همچنان در دستان ایران است. تیم بسکتبال با ویلچر مردان نیز در دیداری که بیشتر شبیه به یک سمفونی هماهنگ بود، تایلندر را با نتیجه ۸۲ بر ۵۰ در هم کوبید و مقترز به فینال رسید.

در پایان یک روز طولانی در ناگوای آنچه بیش از شمارش مدال‌ها و رنگ فلزها اهمیت یافت، پیام بزرگی بود که این ورزش‌سکاران به جهان مخابره کردند. کاروان ورزشی ایران با این درخشش تاریخی، یک حقیقت ناب را به اثبات رساند؛ محدودیت‌های جسمانی، توهمی بیش نیستند وقتی اراده‌ای پولادین در درون سینه می‌تپد. این قهرمانان، با هر گامی که در پیست برداشتند، با هر وزنه‌ای که مهار کردند و با هر فنی که روی تاتامی به کار بستند، به ما یادآور شدند که زندگی یک مبارزه همیشگی است و پیروز واقعی کسی است که حتی با وجود موانع سخت، هرگز دست از رویارزازی و تلاش برنمی‌دارد.